



بیشتر از یک نفر...

به نام خدا

سلام خدمت دوستان عزیزم، همراهان عزیز مجموعه بیشتر از یک نفر

ازتون یک عذرخواهی بزرگ می‌کنم چون حتما یک عالمه سر و صدا می‌شنوید، من این فایل رو چند روزه می‌خواوم ضبط کنم اما هربار فرصت نمیشه. الان یک مسیری رو باید قدم می‌زدم، گفتم چه فرصت خوبیه این کار رو انجام بدم و همین جا ضبط کنم. بنابراین صدای ماشین، ترمز، حرف عابرین پیاده و هر چیز دیگه ای شنیدین امیدوارم من رو به بزرگواری خودتون ببخشید. سعی می‌کنم محتوایی رو بگم که بگید ارزششو داشت این سر و صداها رو تحمل کنیم.

دوستان عزیز، توی تعطیلات نوروز و توی مسافرت هامون یک اتفاقی که می‌افته و متداول هست، این هست که بین اعضای خانواده معمولا ناراحتی رخ میده به دلیل مدیریت هزینه‌ها، مدیریت زمان و یک سری مدیریت‌های دیگه از منابعی که در اختیار داریم.

به چه معنی؟ به این معنی که خوب مثلا سر این که شما چرا این قدر خرید می‌کنی تو مسافرت؟ همه پول رو دادی به خرید، همه پول رو دادی به تفریح، همه پول رو دادی به هتل یا هر چیز دیگه ای، یک درگیری یا ناراحتی رخ میده. حالا درگیری نه به معنی این که دعوی بزرگ ولی همین که حالمون خوب نباشه از مسافرتی که اومدیم لذت ببریم، بهم دیگه نگاه نمی‌کنیم یا حالمون خوب نیست، خوب اتفاق خوشایندی نیستش.

یک راهکار خیلی خیلی ساده وجود داره و اون هم مقرر کردن و توافق کردن همه چیز به شکل مشخص از قبل هست.

یعنی چی؟ یعنی اگر مدیریت هزینه‌ها با آقا هستش توی خانواده، مثلا پدر زحمت بکشه بگه: "خوب ما کلا بودجه ای که برای این سفر می‌تونیم در نظر بگیریم ماکسیمم مثلا دو میلیون هست یا بیست میلیون تومان هست یا دویست هزار تومان هست، فرقی نمیکنه هر عددی که هست. خب حالا بیایم با هم قرار بگذاریم اینو چطوری هزینه بکنیم".

- این اولاً اثر خیلی خوب برای بچه‌ها داره، به شدت کمک میکنه که بچه‌ها مدیریت مالی و توان تخمین زدن و خیلی ویژگی‌های دیگشون ارتقا پیدا کنه.
- نکته دوم این هستش که جلوی خیلی از اتفاقات رو می‌گیره.

این فرهنگیه که ما کم داریم تو کشور خودمون و این مشارکت معمولا کم هست یعنی اعلام نمیشه ک ما چقدر داریم؟ چیکار می‌خوایم بکنیم.



بیشتر از یک نفر...

اصلا این که چقدر داریم مهم نیست، من این قدر بودجه در نظر گرفتم. حالا با هم نقشه بریزیم که چقدرش واسه چه کاری اختصاص پیدا کنه. اینقدرش برای مسافرت، اینقدرش برای نمی دونم مکان های تفریحی این قدرش برای خرید و این قدرش مثلا برای غذا و بعد بر اساس اون خیلی تصمیم ها راحت گرفته می شه.

توی زمان هم همینطور مثلا شما پنج روز، هفت روز، ده روز، نمی دونم هرچقدر زمان تنظیم کردید که بیاین و یک سفر داشته باشید. ببینید که این وقت رو چطور می تونید تقسیم کنید و از قبل با هم قرار بگذاریم و بعد سر اون مواضع بمونیم که این یک عادت و رفتار خیلی قشنگ بشه.

دوتا اتفاق فوق العاده مهم می افته: یکی مدیریت کردن رو یاد می گیریم و دوم اینکه درگیری ها کم میشه و برنامه ریزی و دخیل دونستن همه اعضای خانواده با هم یک اتفاق خیلی خیلی قشنگ هستش.

از صمیم قلب آرزو می کنم بگید خوب خسته نباشید، این چی بود گفتی؟ حرف به این تکراری که گفتن نداشت. از این بابت مطمئن باشید من خوشحال میشم به این معنی که شما این نکته رو می دونستین و خدارو شکر می کنم اگر نمی دونستین، خیلی خوشحالم چون می تونه جلوی خیلی از مسائل رو بگیره.

یادم میاد دوران کودکی خودم واسه همین نکته ساده ای که رخ نمی داد خیلی ناراحتی ها ایجاد می شد برای خودم، برای اعضای خانوادم و مسافرت هارو کوفت اون بندگان خدا و خودم می کردم، بنابراین اگر که احساس می کنین این فایل به درد کسی می خوره در اختیار سایر عزیزان قرار بدین و امیدوارم که همیشه از تک تک لحظه های زندگی خودمون بهترین لذت ها رو ببریم و حالمون خیلی خیلی خوب باشه تا بتونیم بیشتر و موثرتر از یک نفر باشیم تا دنیا جای قشنگ تری برای زیستن بشه.

متشکرم، خدانگهدار